

## بررسی دلایل ضرورت نظم در جلسه دادرسی

مریم احمدی<sup>۱</sup>؛ اکبر بدرزاده<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳

### چکیده

اصل مسلم این است که در خصوص تشکیل جلسات دادرسی و اداره آن‌ها هرگاه موازین قانونی از قبیل احراز قانونی اطلاع و ابلاغ، عدم فوت و حجر طرفینی و تطبیق مفاد دادخواست با موازین قانونی صورت نپذیرد و بی‌جهت جلسه تشکیل شود، دارای ضمانت اجرا خواهد بود، به طوری که نه تنها تخلف انتظامی قاضی را در پی خواهد داشت، بلکه موجب خواهد شد رأی در بعضی موارد بی‌اعتبار باشد و در مراجع بالاتر موجبات فسخ دادنامه فراهم آید؛ بنابراین، احقاق حق و اجرای عدالت در محاکم مستلزم این است که بستر و زمینه برای اصحاب دعوی فراهم شود تا طرفین بتوانند به راحتی ادعاها و ادله و استدلال‌های خود را طرح نمایند. در خصوص بررسی هرچند عمده این‌گونه موضوعات همچنان خلأهای قانونی وجود دارد. به‌عنوان مثال وضعیت به‌هنگام اخلال در نظم جلسه از سوی یکی از اصحاب دعوی و وکیل آن‌ها مشخص نیست. لذا این مطالعه در تلاش است تا هر یک از مصادیقی که موجب ضرورت وجود نظم در جلسه دادرسی می‌گردد را تحلیل نماید.

**واژگان کلیدی:** طرفین دعوی، جلسه رسیدگی، نظم دادرسی، اجرای عدالت، فوت، حجر.

<sup>۱</sup>. استادیار گروه حقوق خصوصی (نویسنده مسئول) Drmaryam.ahmadi@yahoo.com

<sup>۲</sup>. وکیل پایه یک دادگستری، عضو کانون وکلای دادگستری البرز Badrzadeh.akbar@yahoo.com

## مقدمه

احقاق حق و اجرای عدالت در محاکم مستلزم این است که بستر و زمینه برای اصحاب دعوی فراهم شود تا طرفین بتوانند به راحتی ادعاها و ادله و استدلال‌های خود را طرح نمایند. ایجاد بستر و زمینه‌های این امر به عهده قانون‌گذار است که قوانین مناسب را تدوین کند البته در عین حال اصول دادرسی هم به کمک خواهند آمد. بستر و زمینه‌های این امر در سه موضوع مهم می‌تواند تجلی یابد، تشکیل جلسه به‌طور صحیح، اداره جلسه به طرز منظم و در عین حال تجدید جلسه دادرسی با روش قانونی و منطقی بدین توضیح که هرگاه جلسه دادرسی به‌طور صحیح تشکیل شود به نحوی که دادگاه بایستی همه عناصر و عوامل را از قبیل ابلاغ تطبیق دادخواست با موازین قانونی، فرارسیدن موعد دادرسی، عدم وجود عذر موجه، فوت یا حجر اصحاب دعوی، عدم استرداد دادخواست یا دعوی را بررسی نماید تا پس از احراز موارد مزبور مبادرت به تشکیل جلسه نماید و از طرفی به هنگام تشکیل جلسه، علنی بودن جلسه و رعایت نظم در جلسه را مدنظر قرار دهد و پس از تشکیل و به هنگام اداره جلسه دادرسی نیز دادگاه موازین مربوطه را رعایت کند. به‌طوری‌که نحوه شروع و پایان جلسه دادرسی را به نحو قانونی اقدام کند به‌طوری‌که بتواند تمامی اظهارات طرفین را اخذ نماید و به هنگام اداره توجه نماید تا مواردی که ممکن است در جلسه دادرسی عارض شود متناسب با آن برخورد نماید و اداره جلسه را به نحو مطلوبی متناسب با آن اتفاقات هدایت کند.

ماده ۱۰۱ ق.آ.د.م مربوط به رعایت نظم در جلسه دادرسی است که مقرر می‌دارد: دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوی یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد.

### ۱. جلسه دادرسی

جلسه کلمه‌ای عربی است و در لغت به معنای نشست، مجمع و انجمن آمده است (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳۷) و دادرسی کلمه‌ای فارسی است که ترکیب آن جلسه دادرسی و منظور از آن هر نشستی است که در دادگاه یا خارج از آن (مطابق قانون) تشکیل می‌گردد و در آن به دادخواهی دادخواه رسیدگی می‌شود. معنای اصطلاحی عبارت مزبور بر معنای لغوی آن منطبق است. بدین‌صورت که اگر قاضی مرجع قضاوتی با تعیین وقت و دعوت قبلی اصحاب دعوی یا وکلای آنان حضور یافته تا به دعوی خواهان و ادله طرفین رسیدگی کند، جلسه دادرسی تشکیل شده است. جلسه دادرسی ممکن است در دادگاه و یا خارج از دادگاه تشکیل شود؛ بنابراین جلسه تحقیق محلی و معاینه محل جلسه دادرسی شمرده می‌شود (شمس، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹) و دادرسی معنی محاکمه، قضا و رسیدگی به دادخواهی و اجرای قانون و عدالت است. بنابراین جلسه دادرسی در لغت به معنی مجمع و اجتماع جمعی از مردم برای رسیدگی به دادخواهی و محاکمه و اجرای قانون و عدالت است.

جلسه دادرسی در اصطلاح جلسه‌ای را که در دفتر تعیین اوقات دادگاه، تعیین وقت گردیده است و وقت جلسه به طرفین دعوا و یا وکلای آن‌ها ابلاغ و اعلام شده است و اصحاب دعوا با دعوت قبلی می‌توانند برای رسیدگی در جلسه دادرسی حاضر شوند و یا لایحه بفرستند و یا وکلای آن‌ها در جلسه دادرسی حاضر شوند تا به دعوا و امری که خواهان خواسته و به‌طورکلی ادعاها و ادله و اسناد و مدارک طرفین رسیدگی شود، جلسه دادرسی می‌گویند.

در شماری از مواد قانون و سایر مقررات جلسه رسیدگی در مفهوم جلسه دادرسی به‌کاررفته است. جلسه رسیدگی در واقع دادرسی به معنای اعم است که شامل رسیدگی در دادگاه و یا خارج از دادگاه که با دعوت قبلی از اصحاب دعوا و با تعیین زمان و مکان آن است، مگر در مواردی که صریحاً و یا به‌واسطه‌ی قرائنی رسیدگی باید بدون دعوت قبلی و تعیین مکان و زمان صورت گیرد و دعوا توسط دادگاه موردبررسی قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر جلسه رسیدگی شامل انواع رسیدگی دادگاه از جمله معاینه محل و تحقیقات محلی، جلسه اداری و

رسیدگی به امور حسبی و... است. در مواد ۲۹، ۴۳، ۷۰، ۲۷، تبصره‌ی ماده‌ی ۳۰۶ و ماده‌ی ۳۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی جلسه‌ی رسیدگی به معنای اعم است.

## ۲. انواع جلسه

به‌طور کلی جلسه دادرسی را می‌توان به دودسته تقسیم نمود:

### ۱- جلسه دادرسی عادی یا معمولی

منظور از جلسه دادرسی عادی (معمولی) جلسه‌ای است که برای رسیدگی یا ادامه رسیدگی به دعوای خواهان با تعیین وقت قبلی و دعوت اصحاب دعوا و یا وکلای آنان تشکیل می‌شود. جلسه دادرسی عادی علی‌الاصول طبق دفتر اوقات دادگاه تعیین می‌شود (قسمت اخیر ماده ۹۶ ق.آ.د.م و نیز ملاک ماده ۳۹۰ همان قانون) تعیین وقت با منشی دادگاه است و قاضی دادگاه در آن دخالتی ندارد. معمولاً منشی دادگاه برای تعیین وقت به اهمیت دعوا نگاه می‌کند و در بیشتر موارد منشی‌های دادگاه، اوقات نزدیک برای پرونده‌هایی در نظر می‌گیرد که اهمیت چندانی ندارد. البته در بسیاری از موارد هم به دلایلی که مقتضی باشد به دستور رئیس دادگاه وقت نزدیک برای پرونده‌های مخصوص تعیین می‌شود. پس از تعیین اوقات ابلاغ به طرفین ضروری است اگر ابلاغ به یکی از طرفین به عمل نیامده یا ابلاغ ناقص بوده، یا ابلاغ از موارد ابطال باشد، دادگاه حق شروع به رسیدگی ندارد (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

### ۲- جلسه‌ی رسیدگی خارج از نوبت

جلسه‌ای است که بدون توجه به ترتیب دفتر اوقات دادگاه تعیین می‌شود؛ بنابراین نزدیک‌تر از وقتی است که دفتر اوقات نشان می‌دهد. این جلسه ممکن است برای دادرسی به معنی اخص باشد که صرفاً در ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی به‌کاررفته است؛ زیرا رسیدگی در جلسه دادرسی بایستی به عمل آید، جلسه خارج از نوبت می‌تواند به‌منظور دادرسی به مفهوم اخص واژه نباشد (جلسه اداری) (شمس، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹).

افزون بر جلسه دادرسی اصطلاحات دیگری نیز در قوانین به کاررفته که در زیر بررسی می‌شود:

### ۳- جلسه‌ی دادرسی فوق‌العاده

در عرف محاکم به جلساتی اطلاق می‌شود که بدون تعیین وقت قبلی، به موضوع رسیدگی می‌کنند؛ مانند رسیدگی به درخواست مطالبه خسارت ناشی از اجرای تأمین خواسته (مردانی، عشقی، ۱۳۸۹، ص ۸۷) یا مانند زمانی که خواهان دادخواست خود را مسترد داشته است، یا دعوی خود را استرداد نموده، یا طرفین موضوع مختلف فیه را به سازش خاتمه داده باشند و درخواست تنظیم گزارش اصلاحی نمایند. یا اینکه یکی از اصحاب دعوی فوت نماید و در هر یک از این موارد دادگاه می‌تواند خارج از وقت رسیدگی (مقرر) یا نظارت (احتیاطی) اقدام به اتخاذ تصمیم نماید (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

### ۴- جلسه‌ی دادگاه

مراد از جلسه دادگاه، همان جلسه‌ی محاکمه و یا جلسه‌ی دادرسی است که در محکمه، دادگاه و محل دادرسی تشکیل می‌شود و به دادخواست ارباب رجوع رسیدگی و حق از باطل تمییز داده و حکم توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود. این اصطلاح در برخی مواد از جمله ماده ۲۸۸ ق.آ.د.م به کاررفته است.

جلسه‌ی محاکمه نیز که در ماده‌ی ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است به معنی جلسه‌ی دادگاه است. جلسه‌ی دادگاه در واقع دادرسی به معنای اخص است. جلسه‌ی دادگاه دارای آثاری است که در سایر جلسات، آن آثار وجود ندارد. مثلاً اختیاراتی که برای حفظ نظم به دادگاه محول شده است، فقط در مورد اختلال نظم در جلسه‌ی دادگاه است و شامل سایر جلسات مثل معاینه‌ی محل و تحقیقات محلی نمی‌شود. زیرا ماده‌ی ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر داشته که: دادگاه می‌تواند اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه می‌شوند را دستور اخراج آنان و یا تا بیست و چهار ساعت

حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد. در مواد ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۳۰۴، ۳۰۳، ۲۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی مراد از جلسه‌ی دادگاه همان دادرسی به معنای اخص است.

#### ۵- جلسه اداری

به‌علاوه در عرف قضایی، جلسه اداری نیز مطرح است. البته این لفظ در قانون آیین دادرسی مدنی به کار نرفته، اما از جمله در ماده ۴۸ قانون پیشین و ماده ۱۶ قانون ثبت و ماده ۵ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ عبارت مزبور به‌کاررفته است. با توجه و دقت در این موارد، مشخص می‌شود که در جلسه اداری، دادگاه می‌تواند اقدام به اتخاذ تصمیم قضایی و حتی صدور رأی می‌نماید. آنچه مسلم است جلسه اداری در اوقاتی از روز تشکیل می‌شود که به جلسات محاکمه اختصاص نیافته و مستلزم دعوت قبلی و حضور اصحاب دعوی نیست، بنابراین می‌توان آن را مترادف جلسه رسیدگی به مفهوم اخص کلمه دانست. رسیدگی به تأمین خواسته (ماده ۱۰۸)، درخواست ابطال یا تصحیح اجرائیه (ماده ۱۱)، درخواست تأخیر اجرای حکم از جمله اموری است که در جلسه اداری انجام می‌شود (شمس، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳).

#### ۶- وقت احتیاطی (نظارت)

وقت احتیاطی از واژه‌هایی است که در قانون پیش‌بینی نشده، اما ضروریات عملی در دادگاه تعیین آن را از ابتدا ایجاب نموده است. وقت احتیاطی در مواردی تعیین می‌شود که پرونده در پی اقدامی که مورد دستور قرار گرفته باید زیر نظر دادگاه قرار گیرد تا دادگاه با توجه به نتیجه‌ی اقدام مورد دستور و تبعات آن، نسبت به پرونده تصمیم‌گیری نماید. برای مثال در دعوای الزام به تنظیم سند رسمی انتقال ملک، دادگاه پس از رسیدگی، وضعیت ثبتی ملک را استعلام می‌نماید. در این صورت دستور تعیین وقت احتیاطی

صادر می‌شود تا پس از وصول پاسخ استعلام، پرونده زیر نظر دادگاه قرار گیرد. در این صورت، دادگاه در وقت احتیاطی پاسخ استعلام را دیده و تصمیم شایسته که ممکن است صدور رأی، تعیین جلسه رسیدگی دیگری و ... باشد، می‌گیرد. در اینجا، دادگاه دستور تعیین وقتی را می‌دهد که موسوم به وقت احتیاطی یا وقت نظارت است. تعیین وقت نظارت به منظور این است که اولاً پرونده از جریان دادرسی خارج نشود، ثانیاً اگر چنانچه در این فاصله پاسخ استعلام واصل نگردید، به منظور پیگیری آن مجدداً داده شود. ثالثاً اگر پاسخ استعلام واصل گردید، دادگاه نسبت به اتخاذ تصمیم و صدور رأی مقتضی اقدام نماید (بهرامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

وقت احتیاطی نیز در دفتر اوقات ثبت می‌شود تا پرونده از گردش رسیدگی خارج نشود. در عین حال پس از روشن شدن نتیجه‌ی اقدام معمولاً پرونده زیر نظر قرار می‌گیرد (حتی اگر وقت نرسیده باشد) و چنانچه آماده‌ی صدور رأی قاطع باشد در وقت فوق‌العاده رأی صادر می‌شود. معمولاً پس از صدور قرارهای کارشناسی، قرار تحقیق و معاینه‌ی محل، مطالبه‌ی اسناد و اطلاعات از ادارات دولتی و ...

### ۳. نحوه‌ی تشکیل جلسه

در خصوص نحوه تشکیل جلسه دادرسی دو مورد قابل بررسی است یکی اینکه جلسات باید علنی باشند دیگر اینکه جلسات دادرسی باید منظم باشند که هر یک در دو مبحث جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. علنی بودن جلسات دادرسی

علنی بودن دادرسی به این معنی است که همه مردم بتوانند در جلسات دادگاه شرکت کنند و به نوعی ناظر به روش و رفتار قضات باشند که این امر فی‌نفسه در جهت تقویت قوه قضائیه نیز کارساز است.

در قانون آیین دادرسی مدنی اصل علنی بودن پیش‌بینی نشده است، ولی در اصل ۱۶۵ قانون اساسی تصریح شده که محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است.

علنی بودن جلسات دادرسی یا جلسات محاکمه به‌عنوان یک اصل بسیار مهم تلقی می‌شود که عملاً در سالم‌سازی قضاوت کمک می‌کند اما در عین حال باید توجه داشت که علنی بودن محاکم در امور کیفری یا خانوادگی دارای مضراتی است. به همین جهت است که بر این اصل استثنائاتی وارد شده است.

به عبارتی در اصل ۱۶۵ قانون اساسی ضمن اینکه به علنی بودن محاکمات و بلامانع بودن حضور افراد تأکید شده اما در سه دسته از موارد، سری بودن جلسات محاکمه را به تشخیص دادگاه مجاز اعلام نموده که عبارت‌اند از: اگر علنی بودن محاکمه، منافی عفت عمومی باشد؛ در صورتی که علنی بودن آن منافی نظم عمومی باشد و چنانچه در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا نمایند که محاکمه علنی نباشد.

هرچند در قانون آیین دادرسی مدنی به اصل علنی بودن محاکمات اشاره نکرده است، ولی استثنائات فوق‌الذکر بایستی از سوی دادگاه‌ها رعایت شود.

در خصوص رعایت اصل علنی بودن محاکمات، چه‌بسا نتوان به‌راحتی ضمانت اجرایی را مقرر نمود ولی سؤال قابل طرح این است که آیا اصحاب دعوی می‌توانند تشخیص دادگاه در خصوص ضرورت علنی یا سری بودن محاکمه را مستند قرار داده، به این جهت فسخ یا نقض رأی صادره را درخواست نمایند؟

در پاسخ به این سؤال جناب آقای دکتر شمس عنوان می‌نماید که در ماده ۱۳۶ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی ضمانت اجرایی در این خصوص پیش‌بینی نشده بود؛ اما نظر به اینکه اصل علنی بودن جلسه دادرسی، تضمینی جهت قضاوت شوندگان تلقی می‌شود تا در پرتو نوعی کنترل افکار عمومی، به‌طور شفاف مورد قضاوت قرار گیرند، می‌توان آن را از اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوی ... به درجه‌ای از اهمیت تلقی نمود که ... رأی را از اعتبار قانونی بپردازد (بند سه ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م). بنابراین فسخ یا نقض رأی به جهت مزبور قابل دفاع است. علاوه بر این در صورتی که

تصمیم دادگاه در خصوص علنی یا سری برگزار شدن محاکمه، با توجه به محتویات پرونده و سایر ادله، مخالفت بین با نصوص مزبور داشته باشد، ممکن است آن را با توجه به حکم کلی مربوط به تخلفات قضات، آن را به عنوان یک تخلف انتظامی محسوب نمود (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳).

### ۲-۳. رعایت نظم در جلسه دادرسی

از اینکه بتوان یک دادرسی صحیح را انجام داد به طوری که طرفین ادله و استدلالات و ادعاهای خود را مطرح کنند مستلزم وجود نظم در دادگاه است. رعایت نظم از جانب دو گروه افراد بایستی رعایت شود.

۱. از سوی تماشاچیان یا به عبارتی از سوی افرادی که نفع و سمتی در دادرسی ندارند.

۲. اصحاب دعوا یا نمایندگان آنها.

ماده ۱۰۱ ق.آ.د.م مربوط به رعایت نظم در جلسه دادرسی است که مقرر می‌دارد: دادگاه می‌تواند دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه صادر کند و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آنان را صادر نماید. این حکم فوری اجرا می‌شود و اگر مرتکب از اصحاب دعوی یا وکلای آنان باشد به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد شد.

حال با توجه به مفاد ماده مزبور و انواع اخلاص کنندگان احتمالی مباحث این قسمت به موارد ذیل قابل تقسیم و شرح است.

### ۴. دلیل ضرورت نظم در جلسه دادرسی

ارائه ادله و استدلالات از سوی اصحاب دعوی مستلزم این است که نظم جلسه رعایت شود و این نظم هم باید از سوی افراد غیر ذی‌نفع حاضر در دادگاه و هم از طریق اصحاب دعوی و وکلای آنان، رعایت شود.

## ۵. ضمانت اجرای در صورت عدم رعایت نظم از سوی افراد غیر ذی نفع و اصحاب دعوی و وکلای آنان

بند اول: در خصوص افراد غیر ذی نفع در ماده ۱۰۱ مقرر شده اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شوند با ذکر نحوه اختلال در صورت جلسه، از جلسه اخراج نموده و یا تا بیست و چهار ساعت حکم حبس آن‌ها را صادر نماید و حکم مزبور فوری اجرا می‌شود. تنظیم صورت جلسه دارای این حسن است که از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از این ماده جلوگیری می‌شود (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). مضافاً باید گفت حکم حبس تا بیست و چهار ساعت فوق‌الذکر فوراً قابل اجرا است.

باید توجه داشت صدور دستور پنج روز حبس به‌عنوان اختلال نظم جلسه درباره کسی است که از اصحاب دعوی جلسه محاکمه نبوده، اگر هم در موقع تشکیل جلسه حاضر بوده لیکن رسیدگی مربوط به او نبوده خارج از حدود اختیارات قانونی و تخلف است (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸).

بند دوم: در خصوص اصحاب دعوی یا وکلای آنان هرگاه اختلال از ناحیه افراد مزبور باشد دادگاه آن‌ها را به حبس از یک تا پنج روز محکوم خواهد نمود. ولی دادگاه حق اخراج اصحاب دعوی یا وکلای آنان را از جلسه دادرسی که علت تشکیل آن استماع و رسیدگی به اظهارات آنان است را ندارد. به هر ترتیب اجرای حبس مزبور برخلاف مورد فوق‌الذکر مستلزم رعایت قواعد عام سایر احکام کیفری است (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

ولی نظرات مشورتی اداره حقوقی برخلاف این استدلال ظاهراً قواعد عام سایر احکام کیفری را لازم نمی‌دانند، بدین توضیح که:

در نظریه شماره ۷/۱۵۲۰ - ۱۳۸۲/۴/۱۷ آمده است: دستور دادگاه بر حبس اخلال‌کننده در نظم دادگاه برای حفظ نظم صادر می‌شود و بدون تفهیم اتهام و رعایت تشریفات رسیدگی انجام می‌گردد. نتیجتاً حکم تلقی نمی‌شود زیرا چنانچه حکم تلقی می‌شد در نص قانون تصریح نمی‌شد که فوراً صورت جلسه و اجرایی شود، بلکه یک دستور اداری است و لذا شخص وکیل نیز اگر موجب اخلال در نظم دادگاه

شود، صدور دستور بازداشت وی از طرف مراجع قضایی بلامانع است و نیازی به تعلیق وکیل ندارد.

همچنین در نظریه شماره ۷/۸۶۱۴ مورخ ۸۳/۱۱/۱۷ نیز آمده است: ذکر کلمه حکم در ماده ۱۰۱ نوعی مسامحه در به کار بردن الفاظ و عبارات قانونی تلقی می‌شود، چراکه دستور دادگاه بر حبس اخلال‌کنندگان که در جهت حفظ نظم صادر می‌شود بدون تفهیم اتهام و تشریفات مقرر قانونی و صرفاً با ذکر نحوه‌ی اختلال در صورت جلسه صورت می‌پذیرد و چنانچه حکم تلقی می‌شد در نص قانون تصریح نمی‌گردید، که فوراً اجرا شود، بلکه یک دستور اداری است که در جهت انتظام جلسات دادگاه صادر می‌گردد و نیاز به تفهیم اتهام و استماع مدافعات اشخاص ندارد و به‌صرف صورت جلسه اخلال، دستور بازداشت صادر می‌گردد. ریاست جمهوری (معاونت حقوقی و امور مجلس، ۱۳۸۷، صص ۱۹۶ و ۱۹۷).

نتیجه اینکه تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است و باید فوری اجرا شود و به‌هیچ‌روی نمی‌توان از اجرای آن جلوگیری کرد، حتی دادرسی صادرکننده حکم نیز چنین اختیاری را ندارد. زیرا اخلال در نظم دادگاه از جمله جرم‌های عمومی است، نه از جرم‌های خصوصی که دادرسی بتواند از آن گذشت نماید (احمدی، ۱۳۷۱، صص ۲۴۷).

#### ۶. قلمرو اعمال ماده ۱۰۱ در ایجاد نظم دادرسی

ضمانت اجرای مقرر شده در ماده ۱۰۱ مربوط به جلسه دادگاه است، حال این سؤال قابل طرح است که آیا مفاد ماده مزبور شامل رعایت نظم در جلسات اجرای قرار تحقیق محلی و معاینه محل می‌شود یا خیر؟

در پاسخ باید گفت اگرچه جلسات اجرای قرار تحقیق و معاینه محل هم در زمره جلسات محسوب می‌شوند، ولی نحوه‌ی تنظیم ماده ۱۰۱ و مخصوصاً تفسیر مقررات کیفری در موضع نص، محل تردید بوده و قابل دفاع نیست. کما اینکه در یکی از احکام صادره از دادگاه انتظامی قضات نیز مقرر شده: ... لذا در موردی که دادرسی دادگاه برای تحقیقات محلی به خارج شهر رفته و پس از مراجعت دستور داده که یکی از وکلای

اصحاب دعوی را سه روز حبس نمایند - قطع نظر از اینکه توقیف وکیل به عنوان اختلال نظم جلسه در خارج از جلسه رسیدگی که راجع به قرار تأمین دلیل بوده - چون به جهت آن صورت مجلسی که می‌بایست کاشف از نوع اختلال بوده و معلوم دارد که چه عملی از وکیل سرزده که مخل به نظم جلسه تأمین دلیل بر فرضی که جلسه رسیدگی بر آن صدق کند تنظیم نشده، فلذا تخلف تلقی می‌شود (حکم شماره ۴۵۱۱ - ۲۹ تیرماه ۱۳۲۸) (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴).

مضافاً باید گفت اجرای قسمت اخیر ماده ۱۰۱ با عنایت به استدلال فوق منحصراً نسبت به اصحاب دعوی یا وکلای آنان مجاز است و نسبت به سایرین، برای مثال نمایندگان حقوقی وزارتخانه‌ها و ... قابل تسری نیست (شمس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴). نمایندگان اشخاص حقوقی و محجوران را می‌توان طرف‌های دعوا دانست و حکم بخش اخیر ماده ۱۰۱ را بر آنها اعمال نمود (زراعت، ۱۳۷۹، ص ۲۶۰).

در خصوص قلمرو اعمال ماده ۱۰۱ این نکته هم قابل ذکر است که این ماده در زمانی قابل اعمال است که جلسه محاکمه تشکیل شود، به همین جهت در حکم شماره ۴۴۹۹ - ۱۳۲۸/۴/۲۰ صادره از سوی دادگاه تخلفات انتظامی مقرر شده است:

ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی [قانون قدیم] حبس کسانی که موجب ایجاد اختلال در نظم جلسه محاکمه می‌شوند تا ۴۸ ساعت [در قانون فعلی ۲۴ ساعت] و چنانچه اخلاص کنندگان نظم از اصحاب دعوی یا وکلای آنها باشند تا پنج روز به حاکم دادگاه اجازه داده و اجرای این دستور وقتی است که اولاً جلسه محاکمه تشکیل و ثانیاً مرتکب موجب اختلال نظم جلسه محاکمه شده باشد و چنانچه اصولاً جلسه محاکمه در بین نباشد عنوان اختلال نظم جلسه موضوعی نخواهد داشت تا بشود کسی را به این عنوان توقیف نمود (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۶).

بنابراین صدور دستور پنج روز حبس به عنوان اختلال در نظم جلسه درباره‌ی کسی که از اصحاب دعوی آن جلسه محاکمه نبوده و اگر هم در جلسه رسیدگی حضور داشته، لیکن موضوع رسیدگی در ارتباط با وی نبوده، در نتیجه صدور چنین دستوری خارج از حدود و اختیارات قانونی و تخلف است (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۷، ص ۸۸).

مضافاً اگر اقدام دادرس بر اثر عصبانیت یا اغراض و خودخواهی باشد، بی‌تردید از موارد تخلف انگاشته شده و می‌توان وی را در محکمه انتظامی قضات تعقیب نمود (واحدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷).

#### ۷. تأثیر اختلال در ادامه جلسه دادرسی

در صورتی که یکی از طرف‌های دعوا به استناد این ماده به حبس محکوم شود، جلسه دادگاه تجدید نخواهد شد، زیرا بی‌نظمی یکی از طرف‌ها نباید موجب تجدید جلسه و عقب افتادن تعیین تکلیف طرف دیگر شود آن‌هم درحالی‌که وی هیچ نقشی در بی‌نظمی نداشته است (مهاجری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷).

#### نتیجه‌گیری

در مورد تشکیل جلسه، قانون‌گذار در بعضی موارد به‌طور صریح تکلیف دادگاه را مشخص نموده اما در بعضی موارد قاضی باید متناسب با وضعیت پرونده بالأخص به جهت خلأهایی که در خصوص ابلاغ وجود دارد خود تصمیم‌گیری نماید و بعضاً ممکن است دادگاه جلسه را تشکیل دهد اما عملاً جلسه قانونی نباشد، به‌عنوان مثال ممکن است یکی از اصحاب دعوی فوت یا محجور شده اما دادگاه بدون اطلاع مبادرت به تشکیل جلسه نماید و یا ممکن است یکی از اصحاب دعوی به جهت عذر موجه از قبیل سیل و غیره قادر به حضور در جلسه نبوده ولی دادگاه اطلاع ندارد و مبادرت به تشکیل جلسه می‌کند. بنابراین مشکلات عملی این‌گونه پیش می‌آید. به‌عنوان مثال مشخص نیست اگر از سوی یکی از اصحاب دعوی و وکیل آن‌ها اخلال ایجاد شود آیا جلسه ادامه پیدا می‌کند یا خیر. در این مقاله سعی گردید تا ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص دستور اخراج اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه می‌گردند تبیین گردد و مشخص گردید که مراد قانون‌گذار از وضع این ماده و ذکر جلسه حمل بر کدام‌یک از جلسات می‌گردد. همچنین محدوده مرتکبین اخلال در نظم دادگاه چنانچه از اصحاب دعوی یا وکلای آنان باشد مشخص گردید.

## منابع

۱. احمدی، مریم، قلمرو اعمال ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی در ایجاد نظم دادرسی، کنفرانس بین المللی جامع حقوق ایران، ۱۳۹۵.
۲. احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات اطلس، ۱۳۷۱.
۳. بهرامی، بهرام، آیین دادرسی حقوقی، آشنایی عملی با نحوه رسیدگی در محاکم عمومی، چاپ دوم، روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۴.
۴. حیاتی، علی عباس، آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، سال سوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
۵. ریاست جمهوری (معاونت حقوقی و امور مجلس)، مجموعه قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی، چاپ هشتم، انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، تهران، ۱۳۸۷.
۶. زراعت، عباس، آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، انتشارات خط سوم، جلد اول، ۱۳۷۹.
۷. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد دوم، چاپ اول، پاییز، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۱.
۸. مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، جلد‌های اول و دوم، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۰.
۹. معاونت آموزشی قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه‌های عمومی حقوقی، جلد اول، شماره ۲، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۷.
۱۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
۱۱. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷.

## فهرست قوانین

۱. قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹.
۲. قانون قدیم آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸.

## Examining the reasons for the necessity of order in the hearing

Maryam Ahmadi<sup>1</sup>; Akbar Badrzadeh<sup>2</sup>

Received:2023/04/03 Accepted:2023/01/23

### Abstract

The undisputed principle is that regarding the holding of hearings and their administration, whenever the legal standards such as legal verification of notice and notification, absence of death and death of the parties and compliance with the provisions of the petition are not met and the meeting is convened for no purpose, it will have a guarantee of execution. In such a way that it will not only result in the disciplinary violation of the judge, but it will also cause the decision to be invalid in some cases, and in higher authorities, it will cause the cancellation of the petition; Therefore, the realization of the right and the implementation of justice in the courts require that the platform and context be provided for the litigants so that the parties can easily present their claims and arguments. There are still legal loopholes regarding the investigation of such issues, even though they are major. For example, the situation when the order of the meeting is disturbed by one of the litigants and their lawyer is not clear. Therefore, this study is trying to analyze each of the examples that cause the necessity of order in the hearing.

**Keywords:** litigants, hearing, order of proceedings, execution of justice, death.

<sup>1</sup>.Assistant Professor of Private Law Department (Corresponding Author)  
Drmaryam.ahmadi@yahoo.com

<sup>2</sup>.Basic lawyer of a court, member of Alborz Bar Association Badrzadeh.akbar@yahoo.com